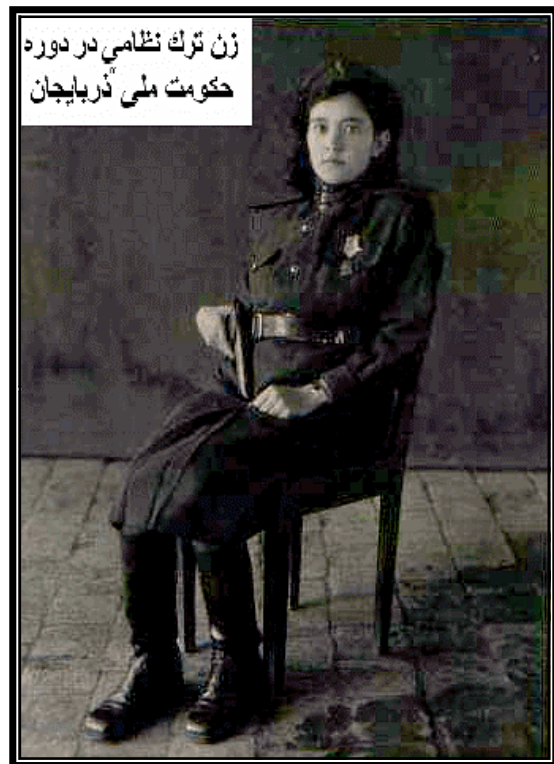


مساله زن و تبعیض جنسی در ایران

جایگاه زن در ادوار مختلف تاریخ بین اقوام مختلف متفاوت بوده و این تفاوت ناشی از اعتقادات، نیازها، وجود یا عدم وجود طبقات اجتماعی و مهمتر از همه نحوه زندگی اقوام بوده است. اگر چه تاریخ (حداقل تاریخ ایران) معمولاً زیر نظر دربار و به امر شاهان توسط مورخین درباری نوشته شده و رضایت حاکم و عدم غضب وی نیز، حب و بغض در کتابت آن بیش از واقعیت‌ها تاثیر داشته است اما باز هم در لابه لای همین نوشته‌ها و اسناد پراکنده و گاه ناکافی مطالبی راجع به موقعیت و زندگی زنان وجود دارد، با این اشکال که این اسناد هم معمولاً انعکاس گوشه‌هایی از زندگی زنان اشرافی و گاه حرمسرا بوده و نه عامه زنان اجتماع.

در هر صورت آنچه که از این اسناد کهن استنباط می‌شود حاکی از موقعیت ممتاز زنان در پگاه تاریخ نسبت به ادوار بعدی است. کنده کاری‌های با قدمت ۱۴۰۰۰ سال در «قوبوستان قایالاری» و منطقه «قره داغ» گویای موقعیت زن در ادوار ما قبل تاریخ است. این کنده کاری‌ها اغلب صورت زنان را نشان می‌دهد که بی شک بیشتر این پیکره‌ها نماد باروری بوده، چون رخسارهای این تصاویر محو و مدور است ولی پهلوها و شکم‌ها و سینه‌ها بیش از حد بزرگ و فربه دیده می‌شوند و در حقیقت نشانگر سحر باروری و ازدیاد نفوس بوده است. ظاهراً زن باردار تقدیس شده و به لحاظ اینکه زن نیز مانند زمین و آب مظهر رویش و زایش بوده و از احترام و ارزش فوق العاده برخوردار بوده و الهه‌های مربوط به رویش و آب و آبدی زمین معمولاً در هیئت زن متصور می‌شد،



شاید به این دلیل اغلب خدایان اقوام التصاقی زبان و بین النهرین را الهه‌های زن تشکیل می‌داده‌اند. در بین النهرین که سکنه بومی آن با سکنه بومی فلات ایران مرتبط بودند اعتقاد بر این بود که حیات آفریده یک ربه النوع است و منبع حیات به عکس تفکر مصریان، مونث بود نه مذکر. در میتولوژی ترک نیز آفرینش توسط خداوند (قایراخان / قاراخان) اما به امر زنی به نام «آق آنا» انجام می‌پذیرد. بر اساس داستان آفرینش ترکها، دنیا به مثابه دریای بزرگی بود که به غیر از آب هیچ موجود و خشکی وجود نداشت. روزی قاراخان (خداوند) از این وضعیت خسته و دلتنگ می‌شود،

در این لحظه آب متلاطم شده و در میان موج ، خیال زنی از نور نام «آق آنا» بر قاراخان ظاهر می شود .

آق آنا به قاراخان می گوید: بیافرین و بدین ترتیب خداوند انسانی شبیه خود را می آفریند . .

گو اینکه ایشقوز / ایچ اوغوز (اسکیتها) نیز چنین تصوراتی داشته اند ، زیرا آنان اولین انسان را تارگی تای / تانگری تای (به زبان ترکی یعنی شبیه خداوند) می خوانده اند ، بررسی اسناد و آثار بین النهرین و ایلام حاکی از توجه اولین قانونگذاران (مانند شاه اورنامو و مجموعه الواح حاوی قوانین آشور) نسبت به حقوق زنان می باشد . بطور کل موقعیت و جایگاه زن در میان اقوام التصاقی زبان سومر و ایلام و اقوامی که از لحاظ تباری و زبانی با این دو قوم متمدن قرابت داشته اند (مانند قوتی ، لولوبی ، کاسبی ، ماننا هورری و ... ، ترک ، مغول) بمراتب بهتر از موقعیت زن در دوران ساسانیان و حتی هخامنشیان بوده است .

در اسناد باقی مانده از تمدن های سومر ، ایلام ، اکد و بابل نام زنان با مشاغل اجتماعی کاهنه و قاضی به چشم می خورد ، زنان در جامعه کهن اسلام تاثیر زیادی داشتند زیرا که حق رسیدن به پادشاهی از طریق ما در انتقال می یافت ، آنها در سرزمینی که بعدها ایران نامیده شد در مسائل اقتصادی و اجتماعی فعال بوده اند و بر اساس تحقیقات مردم شناسی در «شهر سوخته» (یانیق شهر) مربوط به ۵۰۰۰ سال قبل انواع مهره های مسطح و استوانه ای از جنس استخوان ، مرمر ، سنگ های



آموزش و سوادآموزی زنان ترک به زبان ملی ترکی در دوره حکومت ملی آذربایجان در 55 سال پیش

آهگ و مفرغ بدست آمده که طبق بررسی ها این مهرها به زنان ۲۵ تا ۴۰ ساله تعلق دارد و صاحبان این مهرها از اقتدار و جایگاه خاصی در مسائل اجتماعی و اقتصادی برخوردار بوده اند.

قوتی ها اکثر فرماندهان قشون را از بین زنان انتخاب می کردند و گاه این زنان تا درجه پادشاهی می رسیدند و در میان آلبان ها زنان تنها مجبور به تسلیم شدن در مقابل مردانی بوده اند که در مسابقات تیر اندازی و اسب سواری یا در میدان کشتی مغلوب آن مرد شده باشند ، البته اگر چه زن روزگاری صحنه های اجتماعی و مذهبی را در اختیار داشته و بالطبع نقش اجتماعی حائز اهمیتی را دارا بوده اما در ادوار بعدی زنان و کودکان توده های اصلی بردگان و انسانهای سیه روز جامعه خویش را تشکیل می دادند . بطور کل ، زن در میان اقوامی که نحوه زندگی شان کاملاً نیازمند حضور زن بوده ، جایگاه و موقعیتی برتر داشته است . بی دلیل نیست که در میان مغولان زن به عنوان

مشاور در قورولتایها حضور داشته و درخصوص مسائل اجتماعی و حتی گروهی حق اظهار نظر و طرف مشورت اکثر خانها بوده است .

علیرضا اردبیلی در مقاله «**ستم ملی و ستم جنسی در ایران**» ظهور ستم جنسی در ایران را توأم با ورود اقوام غیرالتصاقی زبان یعنی آریایی زبان ها دانسته و معتقد است که : « آثار تبعیض جنسی در سرزمینی که امروزه ایران نام دارد ، با ورود اقوام گله دار آریائی زبان ظاهر می شود . پیش از آن زنان در تمدن ایلامی از منزلتی کم و بیش قابل مقایسه با مردان برخوردار بودند . این تبعیض در دوره ساسانی به اوج خود می رسد . در دوره اسلامی هر چند تخفیف می یابد اما موفق می شود خود را با شرایط جدید تطبیق داده و با پیرایه های اسلامی به حیات خود ادامه دهد ... این پدیده (زن ستیزی) امروزه تقریباً در تمامی جهان به درجات مختلف وجود دارد ، هر چند که برخی از ایرانیان دوست دارند این مسئله را پدیده ای اسلامی یا عربی بدانند اما زنان در ایران قبل از اسلام یکی از سیاه ترین دوران های تاریخ را داشتند » (**مجله تریبون** ، شماره ۶ ، سوئد ۲۰۰۱)

پرویز بختیاری نژاد نیز در مقاله « جنبش اجتماعی زنان در بوته نقد » ضمن بحث از دلایل حرکات مقطعی و نه مستمر زنان ، علت تبعیض جنسی را سنتهای فرهنگی ایرانی دانسته و می نویسد : « ... هر چه به عقب باز گردیم زنان ایرانی را اسیر چنگال برخی سنت های فرهنگ ایرانی - و نه لزوماً مذهبی - می یابیم . بسیاری از سنن ایرانی با نگاهی کاملاً مرد سالارانه ، زن را هر چه بیشتر به انزوای خانه ها سوق داده و هر مقطع که این سنن ملی به حضور زنان در عرصه عمومی ، روی خوش نشان داده ، زنان نقش هایی به یاد ماندنی از خود در تاریخ ایران بر جای گذاشته اند . »



نگاهی جامعه شناختی به حوادث اجتماعی ما بین ورود آریایی ها به ایران تا ظهور اسلام (قرون هفتم و ششم قبل از میلاد تا قرن هفتم میلادی) و نیز بررسی الواح تخت جمشید و آثار ایرانی قبل از اسلام و همچنین شاهنامه فردوسی ، موید این نظریات است .

" ایلسه سیبرت " با توجه به آثار باقی مانده از ایران قبل از اسلام می نویسد : " در روزگار ساسانیان شوهر حتی حق داشت همسر خود را وام بدهد ، چنانچه در مجموعه قوانین چنین آمده است : زن اصلی خود را به مرد دیگری قرض بدهد که نیاز به زنی برای نگهداری فرزندانش داشته باشد و خود او مسئول این نیاز نیست و به روشی

شایسته ، خواهان آن زن شده است . حتی می توانستند زن را بدون رضایت او وام بدهند و هنگامی که این عمل صورت پذیرد، اسباب خانه او به مردی تعلق می گرفت که آن زن به عنوان وام به او داده می شد " .

همچنین در لوح کوچکی از تخت جمشید (۰۴ قبل از میلاد) آمده است که برای هفت زن که پسر زائیده بودند شراب تهیه کنند و به هر یک از آنها یک قمقمه شراب بدهند ، در صورتی که به هر یک از ده زنی که دختر زائیده بودند ، نصف قمقمه شراب داده شد .

نظام اجتماعی آریائیان به سه اصل خانواده ، طایفه و قبیله استوار بوده است که خانواده اساس زندگی و پدر بالاترین نقش را در خانواده داشته که بر طبق وظیفه اش دارای قدرتی برتر از همسر و فرزندان بوده است که جامعه پذیری استبدادی در خانواده آریائی و اطاعت محض زن و فرزندان از پدر ، در نظام سیاسی جامعه نیز انعکاس می یافت . از دیدگاه مذهبی نیز در کتاب « شایست ناشایست » که حاکم احکام فقهی زرتشتی است ، در فصلی که به بحث حیض و احکام آن پرداخته زن را نسبت به برخی ادیان دیگر بیشتر محدود نموده و شرایط سختی را برای زن ذکر کرده است .

بنا به نوشته «کلمان هورا» در جامعه ساسانی « چند همسری رایج بود و مردان گذشته از زنان عقدی ، زنان غیر عقدی نیز می گرفتند. کنیزان زر خرید و زنان اسیر نیز بودند ».



زنان ساسانی نسبت به شوهر اطاعت محض داشتند و خرید زن در دوره ساسانی رواج داشت که بنا بر این رسم همسر آینده زن میلغی معین پول یا کالایی معادل آن مبلغ به والدین زن می داد. البته در این دوره گاه شاهد

اشتراک فعالانه زنان ترک در امور حکومت ملی آذربایجان

حضور کوتاه زنان در جایگاه سلطنت می باشیم که عمدتاً در کنار شاهی که هنوز به سن کافی برای سلطنت نرسیده بود ، به عنوان مادر و نیز نایب السلطنه انجام وظیفه نموده اند .

بطور کلی چنانچه گفته شد زن درپگاه تاریخ نسبت به ادوار بعدی موقعیتی بالا داشته و در سرزمینی که بعدها ایران نامیده شد موقعیت زن بعد از استقرار حکومت آریائیان در این سرزمین نسبت به ادوار قبل از آن بسیار تنزل یافت، بگونه ای که در ادبیات فارسی به خصوص شاهنامه جایگاه زن در حد غیر قابل قیاس با دیگر ادوار پایین می آید و در دوره اسلامی نیز علیرغم تخفیف هایی باز هم آن تبعیض جنسی توانست در پیرایه ای دیگر بماند . با در نظر گرفتن این واقعیت که زن در تمام ادوار تاریخ در میان اقوام جایگاه و موقعیت ثابتی نداشته و موقعیت اجتماعی وی در ادوار مختلف متفاوت بوده و به همین دلیل هم نمی توان قومی را بطور مطلق زن ستیز یا زن گرا دانست بلکه

تنها می توان درجه نهادینه شدن این دو پدیده را درمیان اقوام با بررسی اسناد تاریخی و ادبیاتی آن قوم مشخص نمود ، نگاهی به یکی از برجسته ترین آثار ادبی ترکی و نگرش جامعه ترک به زن می اندازیم :

در کتاب « دده قورقود» که چند سال قبل سازمان یونسکو ۱۳۰۰ مین سالگرد آن را جشن گرفت ، نگاه دگم در خصوص زنان وجود ندارد بلکه در مقدمه کتاب ، زنان را به چهار دسته از حیث اخلاق ، سرشت نیکو و لیاقت تقسیم می کند (بیررسی ائوین دایاغیدیر - بیررسی نئجه سویلرسن بایاگی دیر - بیررسی سولدوران سویدور- بیررسی دولدوران توپدور) سپس مشخصات و خصوصیات هر گروه بیان شده و زنان نیک سرشت برعکس زنان پست صفت به نیکی توصیف می گردند .در تمام دوازده داستان کتاب (که به نظم و نثر می باشند) زنان با صفات نیکو و جایگاه رفیع مشاهده می شوند و عمده امتیاز زن در کاردانی و زیبائی ، تیز هوشی ، جنگ آوری ، تیر اندازی و اسب دوانی در زمان جنگ و خانه داری است . در داستان ها ناز و کرشمه و طنازی جایی ندارد . با توجه به تبعیت نسبی زن از مرد، زن هم‌رزم شوهر و مشاور وی در کارهای اجتماعی و خانوادگی است و بر خلاف شاهنامه زن مظهر دو رویی و فتنه نیست.



اولین زندانی سیاسی زن ایران

راضیه ابراهیم زاده

عضو آذربایجان دموقرات فیرقه سی

در نهایت می توان چنین نتیجه گرفت که تبعیض جنسی با ورود اقوامی که مورخان معاصر بدانها لقب آریایی داده اند و با حاکمیت آنها آغاز می گردد و دیگر زن در سرزمین ایران هرگز نمی تواند مقام قبلی خود را که در میان اقوام ایلام و دیگر التصاقی زبان ها داشته ، به دست آورد.